**سلامت**

طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، منظور از  سلامت رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی است.  همچنین عوامل مختلفی تعیین کننده وضعیت سلامت در جامعه هستند که از آن میان می‌توان به عوامل ژنتیکی و بیولوژیکی، عوامل مربوط به شیوه زندگی، عوامل زیست محیطی، رفتارهای شخصی و شیوه زندگی و تاثیر آنها در جامعه اشاره کرد.

**ابعاد مختلف سلامت**

سلامت دارای ابعاد مختلف جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی است. منظور از سلامت جسمی عملکرد بهتر اندام در هماهنگی کامل با دیگر اعضا است. منظور از سلامت روانی مثبت اندیشی و هدفدار بودن و منظور از سلامت عاطفی توانایی بیان احساسات و توانایی برقراری ارتباط با دیگران و منظور از سلامت اجتماعی وجود ارتباط میان افراد با دیگران یا همان جامعه پذیری، لذت بردن از بودن در میان دوستان، حمایت شدن از سوی خانواده و بستگان و دوستان است. به عبارت دیگر منظور از سلامت اجتماعی ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه‌های اجتماعی است.

بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت در سال 1948، سلامت اجتماعی یکی از ابعاد سلامت محسوب می‌شود، این نوع سلامت از دو بعد جسمی و روانی سلامت تأثیر پذیرفته و بر آنها اثر متقابل دارد. کمیت و کیفیت تعامل فرد با اجتماع به منظور ارتقای رفاه آحاد جامعه یکی از تعاریف سلامت اجتماعی است. نتیجه نهایی این تعامل ارتقای سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، کاهش فقر و بی عدالتی  است و نقطه مقابل آن افزایش آسیب‌های اجتماعی است.

مطابق با نظر کوری کییز ، سلامت اجتماعی نوعی ارزیابی و شناخت افراد از خود و عملکردشان در اجتماع و کیفیت روابط آنها با افراد دیگر برای مثال نزدیکان و گروه های اجتماعی است. وی بر اساس این تعریف مدل پنج عاملی خود را مطرح می‌کند که در آن انسجام، پذیرش، شکوفایی، مشارکت و انطباق اجتماعی شاخص‌های سلامت را تشکیل می‌دهند. منظور از شکوفایی اعتقاد داشتن به این است که جامعه به شکل مثبتی در حال رشد است. منظور از همبستگی اجتماعی اعتقاد داشتن به این نکته است که اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش بینی است.

منظور از یکپارچگی اجتماعی احساس تعلق به جامعه و احساس حمایت شدن از طرف جامعه است. منظور از پذیرش اجتماعی داشتن گرایش های مثبت نسبت به افراد، تصدیق کردن دیگران و پذیرفتن افراد علی رغم برخی رفتار سردرگم کننده و پیچیده آنها است و منظور از مشارکت اجتماعی باوری است که طبق آن فرد خود را عضوی حیاتی از اجتماع می‌داند که در مسائل مهم آن می‌تواند تصمیم گیرنده باشد. بحث سلامت اجتماعی مفهومی است که در یک یا دو دهه اخیر برجسته شده است. وقتی بحث سلامت می شود ذهن ها اکثرا ممعطوف به سلامت جسم و روح می‌شود در حالی که سلامت اجتماعی امری متفاوت از سلامت جسم و روان است. این امر ریشه در روانشناسی و پیش از آن در پزشکی  دارد.

احساس و ارزیابی که فرد نسبت به پیرامون خود دارد، با عنون سلامت اجتماعی شناخته می‌شود. در واقع بحث سلامت اجتماعی یک واژه کلی‌ای است و با جنبه فردی یا جنبه روانی و یا جنبه‌های اقتصادی و سیاسی ارتباط دارد. در کل آنچه در سلامت اجتماعی مهم است قید اجتماعی بودن آن است. اجتماعی به این معنا است که سلامت یک امر جمعی است و یک گروه یا یک جمع  یا مردم را هدف قرار می‌دهد.

از ابعاد مهم سلامت اجتماعی، مشارکت و اعتماد است. در بعد سیاسی افراد نیازمند اعتماد هستن؛ اعتماد مردم به صاحبان قدرت و اعتماد صاحبان قدرت به مردم. مردم باید بدانند که فقط در زمان انتخابات نیست که دولت نیازمند مشارکت آنها است بلکه در سایر تصمیم گیری ها نیز باید حس فعال بودن و مهم بودن داشته باشند.

**جامعه سالم در گرو سلامت اجتماعی**

به طور کلی اهمیت سلامت اجتماعی در این است که افراد با برخورداری از آن بهتر می‌توانند نقش‌های اجتماعی را ایفا کنند و از عهده‌ی مشکلات برآیند. معمولا،  افراد برخوردار از سلامت اجتماعی در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که ثبات و انسجام بسیار دارند و می‌توانند در فعالیت‌های گروهی و جمعی مشارکت بیشتر داشته باشند. انطباق این افراد با هنجارها و ارزش‌های جامعه بسیار است و چنین وضعی می‌تواند خود مانع وقوع بسیاری مسائل و آسیب‌هایی همچون خودکشی، فسا و مواردی از این دست باشد.

معمولا جامعه‌ای که فاقد سلامت اجتماعی است از سلامت روانی و جسمانی نیز به دور است. چون همانطور که اشاره شد سلامت اجتماعی و ابعاد و مولفه‌های آن به شدت بر سایر ابعاد سلامت تاثیر گذار است. از هم گسیختگی اجتماعی (فرار مغزها)، مهاجرت از روستا به شهر، افزایش طلاق و مشکلات خانوادگی، بدرفتاری با کودک، ترک تحصیل و افت تحصیل،  رفتارهای ضد اجتماعی، جرائم مربوط به مواد مخدر، از خود بیگانگی اجتماعی، بزهکاری، پرخاشگری، خشونت و انحرافات اجتماعی از پیامدهای منفی یک جامعه است که از نظر سلامت اجتماعی دارای نقصان است.اگر سلامت اجتماعی تهدید شود زمینه‌های گسست خانواده، بیکاری و حتی گسست فرد با خود که یا به صورت خودکشی و یا به صورت تنهایی و انزوا گزینی آشکار می‌شود، افزایش می یابد. حتی در مورد خشونت هم همینطور است. از خشونت‌های خیابانی گرفته تا خشونت‌های سازمان یافته، همه نشان از ضعف در سلامت اجتماعی دارد. از این رو توجه به سلامت اجتماعی و ابعاد آن از موضوعات بسیار مهم در هر جامعه‌ای است.

سلامت اجتماعی را می توان کمیت و کیفیت تعامل فرد با اجتماع برای ارتقای رفاه آحاد جامعه دانست که می‌تواند منجر به ارتقای سرمایه اجتماعی، امنیت اجتماعی، کاهش فقر و بی عدالتی شود و در مقابل، افزایش آسیب‌های اجتماعی مانند بیکاری و فقر قرار می گیرد  
تنها ۲۵ درصد سلامت جامعه به حوزه عملکرد وزارت بهداشت مرتبط است، دیگر عوامل موثر را شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی و عوامل ژنتیک اعلام کرد.

مشارکت همگانی مردم، از اصول بسیار بااهمیت برای اجتماعی شدن سلامت است که در این زمینه افراد آگاه وسازمانهاهم نقش بسیار خطیری دارند.

اشاره به توجه دین مبین اسلام به موضوع مشارکت و همکاری، نشان میدهد علاوه بر مشارکت مردم، نیاز به همکاری‌های بین بخشی برای اجتماعی شدن سلامت وجود دارد.  
ارتقای سلامت و امنیت غذایی از اولویت‌های سلامت جامعه است و باید مردم را توانمند کنیم تا بتوانند خود مراقبتی داشته باشند و گرفتار بیماری‌ها نشوند، چرا که ۷۰درصد علت مرگ و میر در کشور ما در اثر بیماری‌های غیرواگیر است.  
«عدالت در سلامت» به عنوان یک اصل بسیار مهم اجتماعی شدن سلامت، موجب ایجاد مشارکت و دسترسی مردم به اطلاعات صحیح برای ارتقای سلامت خواهد شد.